

کارنامه خوشنویسان و کاتبان تفرش

صادق حضرتی آشتیانی



سرشناسه	حضرتی، صادق، ۱۳۳۱
عنوان و نام پدیدآور	کارنامه خوشنویسان و کاتبان تفرش / صادق حضرتی آشتیانی
مشخصات نشر	تهران : سفیر اردهال، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۱۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۲-۶۵۰-۲
حیثیت نویسنده	فیبا
موضوع	شهیدان -- ایران -- تفرش -- سرگذشت نامه
موضوع	Martyrs -- Iran -- Tafresh -- Biography
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشت نامه
موضوع	Iran-Iraq War 1980 -- 1988 -- Martyrs -- Biography
رده‌بندی کنگره	DSR ۱۶۲۵/ح۶ک۲۰۰۹۱
رده‌بندی دیویی	۹۵۱/۰۰۴۳۰۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۰۹۰۴۵



کارنامه خوشنویسان و کاتبان تفرش

صادق حضرتی آشتیانی

تعداد صفحات: ۲۲۰ | تعداد تصاویر: ۱۱۱ | تعداد جداول: ۱۱ | تعداد نقاشی‌ها: ۱۱ | تعداد نقش‌ها: ۱۱ | تعداد جداول: ۱۱ | تعداد نقاشی‌ها: ۱۱ | تعداد نقش‌ها: ۱۱

تعداد صفحات: ۲۲۰ | تعداد تصاویر: ۱۱۱ | تعداد جداول: ۱۱ | تعداد نقاشی‌ها: ۱۱ | تعداد نقش‌ها: ۱۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳-۶۵۰-۱

صفحه آرای، طراحی جلد: واحد آماده‌سازی نشر، سفیر اردغال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر اردغال

قیمت: ۳۵۰/۰۰۰ ریال

شماره نشر: ۶۹۴-۱

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱، پلاک ۴

کد پستی: ۱۵۸۱۸-۱۳۹۷

تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۲۸۹۸-۸۸۳۱۹۳۴۲

سایت فروش: www.safirardahal.com

© حق چاپ: ۱۳۹۷ | email: safirardeha@yahoo.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱۵ پیش‌گفتا

آ الف ب پ ت

۳۳ بازرجانی مشهور تفرشی، محمد محسن بن فضل علی
۳۵ بدیع الزمان تفرشی، محمد
۳۵ پیشنماز تفرشی، عبد العزیز بن عبد الحمید
۳۵ تاجر اصفهانی، محمد بن ملا
۳۵ تفرشی، آقابابا
۳۶ تفرشی، ابراهیم
۳۶ تفرشی، ابراهیم
۳۶ تفرشی، ابوالقاسم
۳۶ تفرشی، ابوالقاسم
۳۷ تفرشی، احمد
۳۹ تفرشی، اسماعیل
۳۹ تفرشی، اسماعیل بن میرزا معصوم
۴۱ تفرشی، اسماعیل بن هادی
۴۱ تفرشی، اشرف
۴۲ تفرشی، حسن، تقدیسی تفرشی فراهانی، حسن
۴۳ تفرشی، حسن بن تقی
۴۴ تفرشی، حسین بن قاسم
۴۵ تفرشی، خطایی
۴۵ تفرشی، داود بن مخدوم

- ۴۶ تفرشی، رستم بن ملک‌شاه.....
- ۴۸ تفرشی، طیب.....
- ۴۸ تفرشی، عباس‌علی.....
- ۴۹ تفرشی، عبد الحکیم.....
- ۵۰ تفرشی، عبد الرحیم.....
- ۵۰ تفرشی، عبد الرحیم بن امین الدین.....
- ۵۱ تفرشی، عبد العظیم.....
- ۵۱ تفرشی، عبد الغفار بن عبد الوهاب.....
- ۵۱ تفرشی، عبد الکریم بن عباس‌علی.....
- ۵۲ تفرشی، عبد الهادی بن محمد حسین.....
- ۵۲ تفرشی، عبد الحسین بن محمد علی.....
- ۵۲ تفرشی، عبد الله.....
- ۵۳ تفرشی، عبد الله بن محمد بن.....
- ۵۳ تفرشی، عبد الوهاب.....
- ۵۳ تفرشی، علی اصغر.....
- ۵۴ تفرشی، علی اکبر بن علی اصغر.....
- ۵۴ تفرشی، علی اکبر بن محمد رضی.....
- ۵۵ تفرشی، علی بن عبد الوهاب.....
- ۵۶ تفرشی، علی بن قدیم.....
- ۵۶ تفرشی، علی بن ولی.....
- ۵۶ تفرشی، علی خان.....
- ۵۶ تفرشی، عیسی بن مهدی.....
- ۵۷ تفرشی، فتح الله.....
- ۵۷ تفرشی، فخر الدین.....
- ۵۸ تفرشی، فرج الله بن علی.....
- ۵۹ تفرشی، فضل الله بن فرج الله.....
- ۵۹ تفرشی، کاظم فرزند سید ابوطالب.....
- ۶۰ تفرشی، محمد.....
- ۶۰ تفرشی، محمد.....
- ۶۱ تفرشی، محمد ابراهیم بن عبد الخالق.....
- ۶۱ تفرشی، محمد اسماعیل.....
- ۶۲ تفرشی، محمد افضل بن قیصر علی.....

- ۶۲ تفرشی، محمدباقر
- ۶۲ تفرشی، محمدباقر
- ۶۳ تفرشی، محمد بن حسن
- ۶۳ تفرشی، محمد بن محمد تقی
- ۶۴ تفرشی، محمد تقی بن محمود
- ۶۴ تفرشی، محمد تقی بن محمد زمان
- ۶۵ تفرشی، محمد حسین
- ۶۵ تفرشی، محمد حسین
- ۶۶ تفرشی، محمد حسین
- ۶۷ تفرشی، محمد حسین
- ۶۸ تفرشی، محمد حسین
- ۶۸ تفرشی، حمدر بن عبد الرحیم
- ۶۸ تفرشی، محمد رضا بن عبد اللہ
- ۶۹ تفرشی، محمد زمان بن ابر علی
- ۶۹ تفرشی، محمد سعید بن عبد الحفظ
- ۷۰ تفرشی، محمد شفیع بن مرتضیٰ
- ۷۱ تفرشی، محمد صادق
- ۷۲ تفرشی، محمد طاہر بن حسن
- ۷۲ تفرشی، محمد عزیز بن مقصود علی بیگ
- ۷۲ تفرشی، محمد عزیز بن مہدی
- ۷۳ تفرشی، محمد علی
- ۷۴ تفرشی، محمد علی بن باقر
- ۷۴ تفرشی، محمد علی بن عبد الباقی
- ۷۵ تفرشی، محمد علی بن عبد الغنی
- ۷۵ تفرشی، محمد علی بن عبد الکریم
- ۷۶ تفرشی، محمد علی بن عبد اللہ
- ۷۶ تفرشی، محمد علی بن محمد
- ۷۷ تفرشی، محمد علی بن مولیٰ
- ۷۷ تفرشی، محمد علی بن میرزا شیبۃ الحمد
- ۷۷ تفرشی، محمد علی بن میرزا عزیز
- ۷۸ تفرشی، محمد کاظم
- ۷۹ تفرشی، محمد ہادی بن محمد رضا

- ۷۹ تفرشی، محمود
- ۸۰ تفرشی، محمود بن علی اکبر
- ۸۰ تفرشی، محمود بن علی اکبر
- ۸۰ تفرشی، محمود بن محمد علی
- ۸۱ تفرشی، مراد بن علی
- ۸۲ تفرشی، مصطفی
- ۸۳ تفرشی، مصطفی
- ۸۴ تفرشی، مصطفی
- ۸۴ تفرشی، معاهد الملک
- ۸۴ تفرشی موسی، محمد رضا
- ۸۵ تفرشی، میرزا جازن بالله
- ۸۵ تفرشی، میر علی
- ۸۶ تفرشی، نصرالله
- ۸۸ تفرشی، نصیر الدین محمد بن مراد
- ۸۸ تفرشی، ولی الله
- ۸۸ تفرشی، هادی
- ۸۸ تفرشی، هدایت الله
- ۸۹ تفرشی، هدایت بن ابوالحسن
- ۸۹ تفرشی، یحیی
- ۹۰ تفرشی اصفهانی، نصیر
- ۹۰ تفرشی خانمرودی، عبد الله بن زین العابدین
- ۹۰ تفرشی ساوجی، محمد عظیم بن حسین
- ۹۰ تفرشی ساوجی، نظام الدین محمد بن حسین
- ۹۱ تفرشی، یحیی بن محمد باقر
- ۹۱ تفرشی، یوسف ابن اسماعیل
- ۹۲ تفرشی طرخورانی، محمد بن حاجی علی اکبر
- ۹۳ تفرشی ظهیری، محمد صادق بن محمد تقی
- ۹۳ تفرشی فمی، احمد بن اسد الله
- ۹۴ تفرشی فمی، محمد بن زین العابدین
- ۹۴ تفرشی فمی، محمد تقی بن محمد حسین
- ۹۴ تفرشی فمی، مهدی ابن ملا موسی
- ۹۵ تفرشی کاشانی، حسین

- ۹۵..... تفرشی گیلانی، رضی
- ۹۵..... تفرشی گنابادی، محمدصادق
- ۹۵..... تفرشی نعمت اللہی، محمد حسین بن رضاقلی
- ۹۶..... تفرشی نقوسانی، محمد رضا
- ۹۶..... تقدیسی تفرشی فراہانی، حسن

ح

- ۹۷..... حسینی، ابن ہاشم
- ۹۷..... حسینی آرجی تفرشی، قاضی جہان علی نقی بن قاضی حسن
- ۹۷..... حسینی افطسی تفرشی غروی، بہاء الدین علی بن یونس
- ۱۰۰..... حسینی افطسی تفرشی، عبد الغنی بن وجیہ الدین علی
- ۱۰۱..... حسینی افسی تفرشی، فخر الدین بن مرتضی
- ۱۰۱..... حسینی افطسی خراسانی، وجیہ الدین علی بن عبد الغنی
- ۱۰۲..... حسینی امین دواہ تفرشی، احمد بن علی رضا
- ۱۰۲..... حسینی بارزجانی تفرشی، اسحاق
- ۱۰۲..... حسینی تفرشی، ابوالقاسم
- ۱۰۴..... حسینی تفرشی، جبار
- ۱۰۴..... حسینی تفرشی، جعفر
- ۱۰۴..... حسینی تفرشی، جواد بن اسماعیل
- ۱۰۴..... حسینی، تفرشی، حسن
- ۱۰۵..... حسینی تفرشی، حسین
- ۱۰۵..... حسینی تفرشی، حسین بن اسماعیل
- ۱۰۵..... حسینی تفرشی، حسین بن عیسی
- ۱۰۵..... حسینی تفرشی، خلیل بن اسماعیل
- ۱۰۶..... حسینی تفرشی، رضا
- ۱۰۶..... حسینی تفرشی، رضی الدین محمد بن محمد امین
- ۱۰۷..... حسینی تفرشی، زین العابدین بن عبد الکریم
- ۱۰۷..... حسینی تفرشی، عبد الحکیم
- ۱۰۸..... حسینی تفرشی، عبد القایم بن ہادی
- ۱۰۸..... حسینی تفرشی، عبد اللہ
- ۱۰۸..... حسینی تفرشی، عبد اللہ فرزند میرزا مہدی
- ۱۰۹..... حسینی تفرشی، عبد اللہ فرزند میرہادی

- ۱۰۹..... حسینی تفرشی، عبدالمطلب بن سید جلال
- ۱۱۰..... حسینی تفرشی، علی
- ۱۱۱..... حسینی تفرشی، علی اکبر
- ۱۱۱..... حسینی تفرشی، علی بن محمد
- ۱۱۱..... حسینی تفرشی، علی بن محمد کاظم
- ۱۱۲..... حسینی تفرشی، علیرضا بن سید علی
- ۱۱۳..... حسینی تفرشی، فخرالدین بن علی
- ۱۱۳..... حسینی تفرشی، فضل الله بن حبیب الله
- ۱۱۳..... حسینی تفرشی، محسن
- ۱۱۴..... حسینی تفرشی، محمد ابراهیم بن محمد
- ۱۱۴..... حسینی تفرشی، محمد تقی
- ۱۱۴..... حسینی تفرشی، محمد جعفر
- ۱۱۴..... حسینی تفرشی، محمد جواد
- ۱۱۴..... حسینی تفرشی، محمد حسین بن اسماعیل
- ۱۱۵..... حسینی تفرشی، محمد حسن بن فضل الله
- ۱۱۷..... حسینی تفرشی، محمد زکی ابن زکریا کاظم
- ۱۱۷..... حسینی تفرشی، محمد صالح
- ۱۱۷..... حسینی تفرشی، محمد طاهر
- ۱۱۹..... حسینی تفرشی، محمد علی
- ۱۱۹..... حسینی تفرشی، محمد علی
- ۱۱۹..... حسینی تفرشی، محمد مهدی ابن حسن
- ۱۲۰..... حسینی تفرشی، محمد هادی
- ۱۲۰..... حسینی تفرشی، مرتضی
- ۱۲۰..... حسینی تفرشی، میرفیض الله بن عبد القاهر
- ۱۲۱..... حسینی تفرشی، هدایت الله بن عبد علی
- ۱۲۱..... حسینی تفرشی، طرخورانی، عباس بن علی محمد
- ۱۲۲..... حسینی تفرشی، طرخورانی، محمد باقر بن میرزا شکر الله
- ۱۲۳..... حسینی تفرشی، طرخورانی، کاظم بن فضل الله
- ۱۲۳..... حسینی تفرشی، فمی، شکر الله بن میرزا فتح الله
- ۱۲۳..... حسینی تفرشی، فمی، محمد علی
- ۱۲۴..... حسینی تفرشی، فمی، علی بن مسعود
- ۱۲۴..... حسینی تفرشی، فمی، نور الدین محمد

۱۲۴	حسینی تفرشی گیلانی، یحیی بن ابوالقاسم.
۱۲۵	حسینی تفرشی نجفی، محمد حسین بن محمد.
۱۲۵	حسینی خورزنی تفرشی، محمد اسماعیل بن محمد حسین.
۱۲۶	حسینی خورزنی تفرشی، مهدی بن ظاهر.
۱۲۶	حسینی [خورزنی] تفرشی، هاشم.
۱۲۶	حسینی کوهینی تفرشی، محمد ابراهیم بن حسن.
۱۲۷	حسینی کوهینی، شریف ابن حسن.
۱۲۷	حد. تفرشی، علی اصغر بن محمد.

خ درس ش ص

۱۲۹	خطای تفرشی
۱۳۰	خوش نوی تفرشی، علی اکبر.
۱۳۰	داد مرزی، رضا دلی فرزند سن.
۱۳۰	دبیر قاجار تفرشی، حسن خان.
۱۳۱	درویش تفرشی، علی.
۱۳۱	دوخته فروش تفرشی، مصطفی.
۱۳۱	رضائی تفرشی، محمد حسین.
۱۳۱	روحانی تفرشی، غلامرضا.
۱۳۲	ساقی تفرشی، محمد حسین بیکه.
۱۳۳	سحاب تفرشی، ابوالقاسم بن محمد زمان.
۱۳۴	سرابی تفرشی، احمد بن شمس الدین.
۱۳۴	سلمانی تفرشی، محمد علی.
۱۳۴	سید آقا تفرشی طهرانی، محمد باقر.
۱۳۵	شاهمیری تفرشی، عبدالله.
۱۳۷	شاهین تفرشی.
۱۳۸	شریف تفرشی، ابوالقاسم شائق علی بن عبد الحمید.
۱۳۸	شریف تفرشی، عبد الباقي بن احمد.
۱۳۹	شریف تفرشی، محمد شریف.
۱۴۰	شریف تفرشی، محمد علی فرزند محمد باقر.
۱۴۰	شهرابی، عبد الفتاح بن امامقلی.
۱۴۰	شهرابی فراهانی، محمد علی بن خواجه بیکه.
۱۴۱	صفا تفرشی، عبد الحمید بن محمد رضا.

ط ظ ع ف ق ک

- ۱۴۵..... طاری اصفهانی تفرشی، حسین بن صفر.
- ۱۴۵..... طارمی تفرشی، عبد الله بن علی اصغر.
- ۱۴۶..... طاهر حسینی تفرشی، میرزا بزرگ.
- ۱۴۶..... طیب تفرشی، محسن بن عبد المولی.
- ۱۴۶..... طرخورانی، محمد علی بن علی.
- ۱۴۷..... رخورانی تفرشی، ابوالقاسم بن ابراهیم.
- ۱۴۷..... طرخورانه تفرشی، عبد الحسین بن ملا مهدی.
- ۱۴۸..... طرخورانی تفرشی، عبد الرحیم بن محمد حسین.
- ۱۴۸..... طرخورانی تفرشی، علی اکبر.
- ۱۴۸..... طرخورانی تفرشی، علی اکبر بن محمد رفیع.
- ۱۴۹..... طرخورانی تفرشی، محمد حسین فرزند میرزا صادق.
- ۱۴۹..... طرخورانی تفرشی، محمد حسین.
- ۱۴۹..... طرخورانی تفرشی، یوسف.
- ۱۵۰..... طغرای تفرشی، اسد الله بن محمد.
- ۱۵۱..... ظهیر تفرشی، ظهیر الدین بن مراد.
- ۱۵۳..... علوی تفرشی، کاظم.
- ۱۵۳..... عماد الملک تفرشی، محمود بن احمد.
- ۱۵۴..... فمی تفرشی، ابراهیم.
- ۱۵۴..... فمی تفرشی، عبد الرحیم بن میرزا عبد الکریم.
- ۱۵۴..... فمی تفرشی، علی اکبر.
- ۱۵۵..... فمی تفرشی، ابوالقاسم بن ابراهیم.
- ۱۵۵..... فمی تفرشی، محمد سعید.
- ۱۵۵..... فمی تفرشی هواقی، محمد کاظم.
- ۱۵۵..... فمی حائری تفرشی، محمد علی بن ابراهیم.
- ۱۵۷..... کاتب السلطان، علی اکبر بن محمد رضا.
- ۱۵۸..... کاتب الشریعه، احمد بن حسین.
- ۱۶۰..... کاتب همایون، محمد باقر.
- ۱۶۰..... کبورانی، علی بن کر بلانی علی اکبر.
- ۱۶۰..... کریم تفرشی، میر کاظم.
- ۱۶۳..... کوهیتی تفرشی، حسن بن محمد ابراهیم.

۱۶۳	کوهینی تفرشی، فخر الدین
۱۶۴	کوهینی تفرشی، فخر الدین بن محمد ابراهیم
۱۶۴	کوهی تفرشی، محمد بن محمد ابراهیم
۱۶۴	کوهی تفرشی، محمد حسن بن محمد رحیم
۱۶۵	کوهینی تفرشی، محمد رحیم بن محمد حسن
۱۶۶	لشکر نویس تفرشی، حبیب الله
۱۶۷	لشکر نویس تفرشی، عبد الکریم

م ن وه

۱۶۹	محمد علی شاه، تقی بن حسین
۱۶۹	محتاج تفرشی، محمد علی
۱۷۱	مشعوف تفرشی، حسین
۱۷۱	معمانی تفرشی، علی
۱۷۱	معتد الشریعه تفرشی، محمد تقی
۱۷۲	معتد الشریعه، علی اکبر
۱۷۲	منجم تفرشی، محمد حسین
۱۷۳	منبری تفرشی، احمد
۱۷۳	منشی تفرشی، محمد جعفر
۱۷۵	منشی تفرشی، محمد حسن
۱۷۵	منشی تفرشی، محمد علی
۱۷۶	منصور علی نعمت اللهی، رضا قلی بن محمد علی
۱۷۶	منطق الملک تفرشی، حسن خان
۱۷۷	منظوری حقیقی تفرشی، عباس
۱۷۷	منظوری حقیقی تفرشی، علی
۱۷۸	موسوی تفرشی، نصر الله بن یحیی
۱۷۸	مهجور تفرشی
۱۷۹	مهندس تفرشی، علی بن فضل الله
۱۷۹	نطنزی تفرشی، احمد بن حسن
۱۸۰	نعمت اللهی تفرشی، سید حسین خان
۱۸۰	نعمت اللهی تفرشی، عبد الله بن حسن
۱۸۰	نوری تفرشی، عبد الله بن علی عسکر
۱۸۱	نوروزی تفرشی، اسد الله بن حسین

- ۱۸۱ محمد حسین بن عبد المجید نعمت الاهی تفرشی
- ۱۸۱ محمد وجدانی تفرشی
- ۱۸۲ محمد صادق بن فضل الله هجری تفرشی

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

تفرش یکی از شهرهای استان مرکزی در فاصله ۸۰ کیلومتری اراک (مرکز استان) و ۲۲۱ کیلومتری ختار گرفته است.

جغرافیای آن را به جهت بافت طبیعی و ساختار ظاهری از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. جغرافیادانان و سفرنامه‌نویسان از این دژ استوار تعریف و توصیف مشابهی ارائه داده‌اند، که ذکرش تکراری و ضرورتی ندارد. اگر از فراز گردنه نقره که در میان آن نظر افکنی، کوهها، گریوه‌ها و گردنه‌های پر پیچ و خم چشمانت را نوازش می‌دهد که دشتی را نه چندان فراخ چون نگین زمردین در برگرفته و از گذشته‌های دور تا به امروز، پشت به پشت، پابرجا و پر هیبت، حریم امنی را شکل داده و چونان سربازان پارسی همواره ساکنانش را از گزند اهریمنان و نژادهای مکرسان مصون و محفوظ داشته است.

جبال شامخ و پر عظمت آن در حقیقت موهبتی است که خداوند به مردم این سامان ارزانی داشته و انسان‌های ساکن در دامان پر نعمت آن در طی قرون و اعصار تجارب ارزنده‌ای را از سکوت و شکوه کوهستان اندوخته و درس‌ها آموخته‌اند، که در هیچ مکتب و مدرسی نمی‌توان آن را فرا گرفت. مردمانی؛ باهوش، سخت‌کوش، با پشت کار قوی نه سست عنصر و پشت‌انداز، این

گونه ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری که در وجود و ضمیر مردمش موج می‌زند و تجلی می‌یابد، متأثر از خلق و خوی و صلابت پرمعنای کوهستان است، چه شخصیت هر فرد بر اثر همزیستی و پیوند تنگاتنگ با محیط زندگی اش شکل می‌گیرد و پیرو آن فلسفه وجودی اش رقم می‌خورد.

به گواهی تاریخ، این طبیعت با تمام عظمت و صلابت در درازنای زمان، بر ریش دهنده انسان‌هایی از جنس خود بوده، که به نوعی از سرآمدان عصر خود به شمار می‌روند. غالب آنان، از ذهن قوی و فکرتی عمیق برخوردار، در نو سنجی و حسن خط و لطف تحریر و نیز انشاء رسایل و سخنوری و شاعری ماهر به‌تر بوده، و در کسب مناصب و مقام و مشاغل دولتی در شمار برترین‌های کشورند.

سلسله عالمان و نویسندگان نقیبهان این دیار کهن به‌ویژه سادات آن، در غالب شئون ادب و حدیث و شهاب‌تاریخ و احوال رجال از صنایع به حساب می‌آیند. هم‌چنین بزرگانی در حلقه مرشدین و عرفا و طالبان حقیقت و معرفت و طریقت از جمله، امام سلسله نعمت الهی، همیشه محل وثوق عوام و خواص بوده و زمانی که در دستگیری و خدمت به خلق و نیز سرسپردگی به پیشوایان دینی از اعتبار و اختیار زیادی بهره‌مند بودند. میر محمد کاظم تفرشی، متخلص به «کریم»، سخنور گمنام سده سیزدهم هجری قمری، سراینده شعر است، در تعریف و توصیف زادگاهش، که در حقیقت، فصل الخطاب گفتار ما، در این مثنوی جاریست که:

تفرش جبل عامل کوچک است

چو یونان بزرگست و اگر اندکست

سخن این گوینده نازک‌اندیش، در حقیقت گویای همه ابعاد مورد نظر است. با تأمل شاخصه‌های طبیعی، علمی، دینی و ادبی این سامان با جبل

عامل لبنان (تقارن و تقریب در مشبّه و مشبه به) وجوه مشترک این دورا برای همگان روشن می‌نماید.

باید افزود، از قرون اولیه اسلامی به این سوی، تا برآمدن سلسله صفویه، به تناوب افرادی در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ از سادات به دلیل اذیت و آزار حکام اموی و عباسی به فلات ایران روی آوردند، دسته‌ای از آنان در مناطق تفرش و آشتیان و فراهان که مأمّن مناسب و مطمئنی برای آنان بود، اقامت گزیدند. مردمان تفرش به دلیل تعلقات شیعی، تازه واردان سادات را بر اثر پیوند و سر و نشرشان با خاندان اهل بیت علیهم‌السلام به آغوش گرم پذیرفتند و از ایشان حمایت همه‌جانبه نمودند. بدین سان یکی از بارزترین و مهم‌ترین شجره‌ها با نام خانوادگی سنی در این شهر ماندند و به تدریج نشر و نما یافتند و ریشه‌دار شدند و به طرق مختلف شاخگی خود را در علوم فقه، رجال و ادب و خط بروز دادند و زمینه‌ساز تحول گردیدند. گرچه ریشه و اصل غالب سادات خفته در مناطق تفرش و آشتیان و فراهان، به یک منشاء مبارک منتهی می‌شود، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که آشنایی سیره عملی و علمی نسبت به هم تفاوت‌هایی دارند. آنچه از منابع به دست می‌آید، نشان می‌دهد، سادات مدفون در منطقه تفرش در زمان حیات خاندان عباس و آگاهی و روایات و حسب و نسب خویش و نیز انتقال آن به مردم محل از دیگران برادران و همراهان خود (مانند امامزادگان روستاهای آشتیان) به ظاهر شدند و به موازی آن در کتب انساب از احوال و هویت امامزادگان مدفون در روستاهای آشتیان و نیز فرزندان و نوادگان ایشان سخن روشنی به میان نیامده و به نوعی حسب و نسب آنان در پرده ابهام است. اما احتمال می‌رود: حوادث، آزار و شکنجه به آنان مجال نداده تا بتوانند حسب و نسب خود را ثبت و ضبط کرده و در معرض استفاده آیندگان بگذارند و به همین خاطر احوال کلی سادات خفته در روستاهای هروران، سیاوشان و آهو و نیز فرزندانشان، دستخوش حوادث زمان گشته و روزگار شیرازه آنان را دریده، و هر یک از آنان که دارای شخصیت

بارزی بودند؛ تنها به معنویت خود تکیه نمودند و از سوی دیگر تمام هم و غم خود را صرف استتار و پنهان ساختن و مصونیت از شر دشمنان و جاسوسان وقت می‌کردند.

در نتیجه امامزادگان مدفون در روستاهای آشتیان شاید به دلیل ناامنی شدید برخلاف سادات تفرش و بعضی محال فراهان، کمتر توانستند لیاقت و شایستگی ذاتی و اجدادی خود را بمنصه ظهور رسانند.

از اواخر سده نهم هجری به این سوی، به تدریج افرادی با انگیزه‌های مختلف قبرا در میان بسته از گردنه‌های گیان و نقره کمر، به شهرهای بزرگ ایران، حتی به سبزه تاره هند رهسپار شدند و خطرات و سختی‌های سفر را به جان خریدند و در ولایت غربت پای افشردند و در سایه سعی و همت به تدریج صاحب جاه و مال و رفاهیت معنوی گردیدند.

در دوران حاکمیت سفین و پسر تاجار، طبقه سادات با سهولت بیشتری به مقام و منصب و حتی قدرت دست می‌یافتند، بالطبع استمرار چنین امری ناشی از نگاه حاکمان و اوضاع اجتماعی ماکم بر جامعه سنتی بود و تعدادی از خانواده‌های سادات ساکن در تفرش، بهیچ‌داشتن شغل و منصب دولتی برای انجام ماموریت خود ناگزیر رهسپار ولایات دیگر می‌شدند و بعد از مدتی منسوب به آن شهر شناخته می‌شدند. شاید از خاندان میرفخرایی، یکی از آن موارد متعدد است.

میرزا مهدی خان میرفخرایی ملقب به دبیر دفتر، از ارباب عالی و سادات عالی قدر تفرش، به دلیل اقامت در خطه شمال، با نسبت گیلانی معرفی شده است. میرزا مهدی خان پدر گلچین گیلانی، مجد الدین میرفخرایی، متولد ۱۲۸۸ خ در رشت است. وی دوبار ازدواج کرد و قبل از این‌که به انگلستان (لندن) برود و تحصیلات خود را ادامه دهد به یک ازدواج فامیلی تن داد و با خانم جلیل السادات فرزند مؤید الممالک مستوفی تفرشی، که دختر خاله مادر گلچین بود، ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد، یکی پرویز میرفخرایی

که در سال ۱۳۶۸ درگذشت و دیگری طلیعه میرفخرایی، ساکن کمبریج انگلستان. وی از همسر دوم خود هم دختری به نام، «ژیزل ایران‌ت» دارد. (کتاب‌های: نهفته، در ذریعه با نام نهضت معرفی شده) مهر و کین، گلی برای تو از آثار اوست. (آینده، سال ۱۹ ش ۴ - ۶ ص ۳۸۸).

مهاجرت تعداد قابل توجهی از خانواده‌های دانشور و هنرمند تفرشی با آنکه‌های مختلف تا پایان سده چهاردهم به تناوب صورت می‌گرفت و بیشتر آنان شهرهایی مانند: کرمان، شیراز، مشهد، اردبیل، گیلان و تهران و کمربند جابلق و... بود که در آنجا رحل اقامت افکندند و نشو و نما یافتند و به همین دلیل بخش گسترده و دامنه‌داری از تاریخ سیاسی، اجتماعی و ادبی این سالن را باید در لابلاهای اوراق تاریخ و اسناد به‌جا مانده در شهرهای دیگر جستجو کرد.

سخن دیگر، این که، خط به عنوان یکی از اجزای هنر ایرانی - اسلامی با آموزه‌های دینی ما مسلمانان پیوندی است و ناگسستی دارد و به یادگیری آن هم سفارش فراوان شده و اعتبار و جایگاه آن به اندازه‌ای مهم است که خداوند در قرآن کریم فرموده: «ان و القلم ما احسن».

و رسول گرامی اسلام در این موضوع می‌فرماید: «من کتب بسم الله دخل الجنة».

با توجه به سفارش رهبران، پیشوایان دینی و بزرگان و نیز به جهت اهمیت شناخته شده آن صاحب نظران و هنرمندان در طول پیدایش این هنر الهی، توجه بسیاری به آن داشته‌اند و به همین دلیل در طول تاریخ به صورت آشکاری تغییر و تحول یافته است. بعضی از خوشنویسان با سلیقه نیکوی خود، شیوه‌های تازه‌ای را ابداع نمودند. نخستین رساله در موضوع خط و خط‌نگاری توسط عبد الله صیرفی در قرن هشتم هجری نگاشته شد، و بعد کتاب گلستان هنر از قاضی

احمد قمی و صراط السطور، از سلطان علی مشهدی و نیز رساله مجنون هروی از آثار برگزیده در این حوزه به حساب می‌آید.

تفرش که خود سر به درازنای تاریخ می‌ساید و همواره خاستگاه علم و فرهنگ و هنر بوده، در زمینه خط و کتابت نیز جایگاه خاص خود را دارد. خوشنویسان که هنر را برای نفس آن عزیز و نیکو می‌شماردند، همواره با خرسنه‌چینی از خرمن بزرگان و در لطافت قلم و قدرت کتابت، نسخه‌های استواری را نگاهشته‌اند که چشم بینندگان را خیره می‌سازد و هر کس به آن نگرَد. زبان تدبیر و تحسین می‌گشاید، بویژه در تحریر عروسِ خطوط، یعنی نستعلیق در به آن، آب و اعتباری بخشیدند.

به این ترتیب تفرش بندگفتار اصلی و کلی این کتاب در حوزه خط و کتابت و نیز مآثر و مؤلفه‌های کاتبان و خوشنویسان تفرشی است که در صفحات آتی به کارنامه‌هایشان پرداخته شده است.

وجود نسخه‌ها، رساله‌ها و مجموعه‌های نفیس و اسناد به‌جا مانده از روزگاران گذشته، گواه محکمی است بر سابقه تداول هنر خط نویسی و کتابت در تفرش. در این زمینه کهن‌ترین نسخه خطی که به قلم کاتبان تفرشی به نگارش درآمده، به قرن هشتم هجری بازمی‌گردد، که به دست توانمند ابوالمظفر حاجی محمد بن شاه تفرشی در سال ۱۵۱۱ ق نگاهشته شده و بعد از وی کاتب دیگری به نام احمد بن شمس الدین سرابی تفرشی که تا سال ۷۵۶ ق در قید حیات بوده، و در همین تاریخ نسخه ارزشمند «الایضاح فی المعانی و البیان» را به رشته تحریر درآورده است.

اما در سده‌های قبل از قرن هشتم در منابع یادی از کاتبان تفرشی به میان نیامده است. بنا بر گفته مرحوم باستانی پاریزی که: «دراز نویسی مردم تفرش ریشه در تاریخ قبل از اسلام دارد...» (مقدمه رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۱۷) این احتمال وجود دارد، که پیش از این تاریخ، کاتب یا کاتبان

منسوب به این شهر، نسخه‌ها یا رساله‌ای را نگاشته باشند و نام و یا نسبت خود را در آنجا نوشته‌اند، پیداست اظهار نظر قطعی در این مورد، مستلزم تحقیق گسترده‌ایست تا براساس آن بتوان رأی صائب و درست را ارائه داد. به هر صورت از میان موارد متعدّد ذکر شده در فهرست‌ها، به عنوان مثال، به نسخه ش ۸۱۳۴ کتابخانه آیه الله مرعشی «اجابة المضطربین فی بیان الاصول الدیة» تألف: سید جعفر بن اسحاق دارابی کشفی (- ۱۲۶۷ ق) در موضوع استقادات و به فارسی اشاره می‌شود که در ۱۷ رمضان سال ۱۲۶۲ ق (در عصر مؤلف) قریه بن نسا از قرای تفرش تحریر گردیده، اما کاتب از درج نام خویش خود ری نموده است. (فهرست مرعشی ج ۲۱: ص ۱۲۸).

از این گونه نسخه‌ها هم ویش در فهرست‌ها دیده می‌شود، بدیهی است گرایش سیاسی، فحری و سیدتی، و نیز انگیزه و مسایل دیگر که بر ما پوشیده است، در آن دخیل بوده. باز صرف آن بعضی از کاتبان با پای‌بندی به آرا و نظریات خود، یا از روی توابع و فقه‌اندیشی نامشان را در آخر نسخه لایق گفتار نمی‌دانستند، حتی چنین عملی را نوعی رنگ و ریب و تظاهر می‌پنداشتند، در نتیجه فضیلت کتابت را در شناختگی خویش تلقی می‌نمودند.

هم‌چنین این دسته از کاتبان بیشتر نسخه‌ها و یا رساله‌های در دست تحریر خود را به نحوی تنظیم و برنامه‌ریزی می‌کردند، تا آن نسخه در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان بخصوص در شب‌های قدر خاتمه یابد. مع‌الذوق آن را هم در مطاوی متن ملاحظه خواهید نمود.

افزون بر آن، یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های نسخ خطی از موضوعات برجسته‌ایست که باید با تامل و تاکید بیشتری به آن نظر داشت. برخی از این یادداشت‌ها در مورد رخدادهای اجتماعی و سیاسی و ادبی، بعضاً در منابع از آن یادی نشده است. از این جهت به عنوان مصالح و مطالب دست اول و

درست برای تدوین و نگارش تاریخ محلی و ملی حائز اهمیت است. نظیر یادداشت بر نسخه ش ۷۰۶۳ کتابخانه آیت الله مرعشی «مصباح العرفان و مفتاح القرآن» از مؤلفی: ناشناخته، در تاریخ پیامبران و ائمه معصومین به عربی، که در موضعی از نسخه چنین آمده است: «به مناسبت تخفیف ایوانی که شاه [محمدشاه] وقت نسبت به اهالی تفرش در سال ۱۲۵۲ ق [۱۸۳۵ م] این نسخه به میرزا محمد یوسف تفرشی از مستوفیان کاردان دوره پادشاهی محمدشاه قاجار به رسم قدردانی تقدیم گردیده است. (فهرست مکتوب، ج ۱۸: ص ۲۲۸) از طرف دیگر، گاهی در اول و آخر یا بین رساله‌ها یک مجموعه ابیات و اشعاری از گویندگان و شاعران گمنام نوشته شده، که در سبک دیگری وجود ندارد، در این صورت جمع‌آوری قطعات، رباعیات، مثنوی‌ها که در نسخه‌های خطی زیاد به چشم می‌آید، راه ساده‌ای برای شناساندن یک سخن‌پرداز معرفی آن به علاقه‌مندان است، همین طور که، بین رساله ۱ و ۲، از مجموعه ش ۶۱ کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی، (نجف)، اشعاری از شاعران به زبان فارسی، دبیر تفرشی، وفایی تفرشی و... به فارسی و عربی آمده: (دفتر اول، ۱۰۱).

براساس منابع، از اواخر قرن نهم هجری تا اواسط قرن دوازدهم هجری، آثار و دستنوشته‌های کاتبان منسوب به این خطه چندان در صورتی نگه‌داشته و تأمل نیست، اما بعد از این تاریخ، به دنبال یک سری تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران، خط‌نگاری و خوشنویسی رونق و شتاب بیشتری به خود گرفت، به طوری که در سده سیزدهم و چهاردهم، قراوانی کاتبان منسوب به این شهر و نیز آثار و مؤلفه‌های آنان به اوج خود رسید، در حقیقت تاریخ خط و کتابت در این منطقه دورانی شکوهمندتر و شکوفاتر از این زمان به خود ندیده، بدیهی است نقش و سهم مکتب خانه‌های شهری و روستایی در فرایند تحول این هنر اصیل را نباید از نظر دور داشت. زیرا این سنت دیرپای

در طی قرون و اعصار رسالت خطیر خود را به خوبی پشت سر نهاده، و بسا منشأ خدمات ارزنده‌ای به جامعه فرهنگی ایران زمین بوده، در حوزه مکتب‌خانه‌های ایران سده‌های گذشته و نقش اثرگذار بر فرایند آن، مطالب دامنه‌دار و گاه شیرین و خاطرانگیز به صورت شفاهی و مستند در دست است، که بسط آن در این جا ضرورتی ندارد، اما در این فرصت با نگاهی گذر به آن، سخن را خاتمه می‌دهیم.

مکتب‌خانه‌های شهری و روستایی از حیث ساختار و محتوا نسبت به یکدیگر اختلاف اساسی داشتند، هر فردی که در شهر یا روستا مکتب‌خا، پسران و گاهی مختلط به راه می‌انداخت، گاهی هدفش رویکرد اقتصادی نیز بود، چون مزدی که ملاها از اولیا می‌گرفتند، معاش آنان را تامین نمی‌کرد. تقریباً میانگین دستمزد آنان در سال از یک بار گندم (سی من تبریز) فراتر نرفت و دانش‌آموز موظف بود، یک تخته گلیم کوچک یا زیرانداز و نیز رسایل را همراه خود به مکتب بیاورد. حتی در مواقع سرما و فصل زمستان برای گرم کردن اتاق یا کرسی تهیه یک جوال هیمة حیوانی و یک بار بوته خا (هک)، از وظایف هر فرد طالب علم بود. زن استاد با همان هیمة و بوته جار. درسی را برای بچه‌ها گرم می‌نمود، سپس در هر پای کرسی به ترتیب چند نفر جا می‌گرفتند و مشغول درس و مشق خود می‌شدند. مواد درسی هم در مکتب‌خانه‌ها معیار خاص و یکنواختی نداشت، بیشتر به بضاعت علمی و روش تدریس استاد استوار بود. اما آموزش خط و الفبا و حساب جمل و نماز و اذان و قرائت قرآن، ترجیح‌بند غالب مکتب‌خانه‌ها به شمار می‌رفت. گاهی با تشخیص استاد، گلستان، تفسیر قرآن، احکام، سیاق، کتاب جوهری و نظیر آن درس داده می‌شد.

در مکتب‌خانه‌های روستایی، که اغلب شاگرد کمی داشتند، یکی از

راهکارهای معمول برای جذب هدایا، راه انداختن رسمی به نام «تخته سور» بود.

دانش آموزان بعد از خواندن و یادگیری سوره‌های کوتاه آخر قرآن، در روزهای پایان سال، وقتی به سوره حمد می‌رسیدند، این رسم بر پا می‌گشت، استاد اشعار عامیانه‌ای را بارها برای آنان می‌خواند، تا نیک فر بگیرند، سپس دانش‌آموز شعر زیر را با آهنگ خاصی خطاب به پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، مکرر می‌خواند، تا رضایت آنان را جلب نماید.

الحمد لله که دلی شاد کند اندوه برد، غم از دل آزاد کند
فرزند عزیزم بر پدر ناز کند اول طلب هدیه استاد کند
و...

بابا تو یی کبابم برم منت نهادی بر سرم
هم حاجی و هم سرور قسر آن نهادی در برم
برخیز و انعامم بده تا نزد استادم برم
مادر تو هم امداد کن تا در خاطرم را شاد کن
ای مادر نیکو سرشت جای که باشد در بهشت
برخیز و انعامم بده تا نزد استادم برم
نه آقاه نیکو لقا جای تو باشد کربلا
برخیز و انعامم بده تا نزد استادم برم
خواهر تو باز کن بچه را بگشای در صندوقچه را
برخیز و انعامم بده تا نزد استادم برم

سپس اعضای خانواده در صورت تمایل مثلاً یک هر دو مشتی، حبوبات، تنقلات و خشکبار و... گاهی سکه و نظیر آن‌ها را در ظرفی

ریخته، بطور منظم داخل مجمعه مسی قرار می دادند، وقتی چند مجمعه از هدایای متنوع پر می گشت، زنان آن‌ها را بر سر نهاده با ذکر صلوات و شادی به خانه استاد می بردند.

از آن جا که انسان مرگب نسیان است، حافظه تاریخ، تاب و توان یادآوری اسامی مدرسه‌ها، مکتب‌خانه و اساتید این کهن دژ را از دست داده، به این بهانه شایسته و بایسته است، ضمن ادای احترام به ارواح پاک آن رسولان گرام که در طول حیات خویش با جدّ بلیغ، ابنای وطن را از چنگال عفریت جن و بی‌سوادی رهانیدند، نامشان برای آیندگان در این سطور ثبت گردد، و تا کران روزگار، در تاریخ این سامان جاوید و ماندگار بماند.

۱ - مکتب کربلایی محمد حسین (با همکاری همسرش مرحومه هما خانم).

۲ - مکتب آقا شیخ محسن (وی ضمن مکتب داری، امام جماعت طر خوران هم بود).

۳ - مکتب ملا صاحب جان کریمی از بانوان پرهیزگار و با فضیلت شهر به حساب می آید و در خط‌نویسی هم مهارت هم داشت).

۴ - مکتب میرزا عباس مشهور به «کوشک».

۵ - مکتب آقا شیخ کریم، (نامبرده از جمله علمای فاضل و مطلع شهر بوده، به همین دلیل مکتب‌خانه‌اش رونق خاصی داشت، اما به اینش آموزان این مکتب‌خانه هیچ‌گاه از ۷۰ - ۸۰ نفر کمتر نشد).

۶ - مکتب میرزا محمد تقی.

۷ - مکتب کربلایی علی، در معین آباد، نزدیک مبارک آباد، پیش از این در معین آباد مکتب‌خانه حاج زین العابدین دایر بود، بعد از فوت وی مسئولیت اداره مکتب‌خانه که به طر خوران انتقال یافته بود، به فرزندش کربلایی علی و پسر عمویش حاج حسین محول شد.

۸ - مکتب ملا ابراهیم قمی.